

## مقایسه ابعاد حرمت خود در دانش آموزان نارساخوان و عادی پایه‌های سوم تا پنجم ابتدایی شهر تهران

دکتر فرشته باعزت\*

استادیار دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی

بهرام صالح صدق پور

عضو هیئت علمی دانشگاه شهید رجایی

### چکیده

در پژوهش حاضر، تأثیر نارساخوانی بر ابعاد حرمت خود در دانش آموزان مبتلا به نارساخوانی بررسی شده است. هدف از انجام این پژوهش، مقایسه میزان حرمت خود عمومی، تحصیلی، جسمانی، خانوادگی و اجتماعی دانش آموزان نارساخوان و عادی است.

روش این پژوهش از نوع کاربردی است و روش انجام آن زمینه‌ای است. جامعه آماری پژوهش، کلیه دانش آموزان نارساخوان و عادی پایه‌های سوم تا پنجم ابتدایی شهر تهران بود. به منظور انجام این پژوهش، ابتدا تعداد ۴۰ دانش آموز نارساخوان در مقطع ابتدایی پس از اجرای آزمون‌های تشخیصی (آزمون هوشی و کسلر کودکان و آزمون اختلال خواندن) به شیوه نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چند مرحله‌ای به طور تصادفی انتخاب شدند. سپس ۴۰ دانش آموز عادی از مقطع ابتدایی به منظور مقایسه با دانش آموزان نارساخوان به صورت هدفمند انتخاب شدند. سپس، از پرسشنامه پپ برای اندازه‌گیری میزان حرمت خود دانش آموزان نارساخوان و عادی استفاده شد. در پایان داده‌های به دست آمده از طریق روشهای آماری تحلیل واریانس چند گانه (مانوا) و تحلیل واریانس یک راهه تجزیه و تحلیل شد. بر مبنای نتایج این پژوهش، بین حرمت خود عمومی، تحصیلی، خانوادگی و اجتماعی بین دانش آموزان نارساخوان و عادی تفاوت معناداری مشاهده شد، اما بین حرمت خود جسمانی کودکان نارساخوان و عادی تفاوت معناداری دیده نشد. به عبارت دیگر، کودکان نارساخوان در مقایسه با کودکان عادی حرمت خود عمومی، تحصیلی، خانوادگی و اجتماعی کمتری دارند. اما هر دو گروه حرمت خود جسمانی یکسانی داشتند. بنابراین، بر مبنای نتایج این

پژوهش، می‌توان به مسئولان آموزش و پرورش پیشنهاد کرد با به کار بردن راهبردهای آموزشی مؤثر در جهت افزایش میزان حرمت خود کودکان نارساخوان بکوشند.

#### کلید واژه‌ها:

حرمت خود، دانش آموزان نارساخوان، دانش آموزان عادی

#### مقدمه

حرمت خود<sup>۱</sup> و اعتماد به نفس قوی برای همه انسان‌ها، به ویژه کودکان و بزرگسالان به منزله یک سرمایه ارزشمند حیاتی، از مهمترین عوامل پیشرفت و شکوفایی استعدادها و خلاقیت‌ها است. به طور کلی فرآیندهای شناختی، احساسات، انگیزه‌ها، برقراری روابط با یکدیگر، شیوه زندگی، تصمیم‌ها و انتخاب‌های انسان به طور ملاحظه‌پذیری تحت تأثیر میزان حرمت خود و اعتماد به نفس افراد هست. حرمت خود واقعاً بر همه سطوح زندگی انسان تأثیر می‌گذارد. نتایج برخی از تحقیقات حاکی از آن است که چنانچه نیاز انسان‌ها به حرمت خود ارضا نشود، نیازهای گسترده‌تر مانند نیاز به خودشکوفایی، پیشرفت یا درک استعداد بالقوه، محدود می‌ماند. دو نیاز اساسی بشر که بیشتر نظریه‌های روان‌شناسان و نیز پژوهش‌های آنها درباره خصوصیات روانی انسان مشاهده می‌شود، نیاز به حرمت خود و احتیاج به احساس امنیت است. (مدی، ۱۹۷۶).

حرمت خود، به اعتقاد مزلو به معنای شایستگی، توانمندی، کفایت، اعتماد، استقلال و آزادی است که در صورت ارضاء شدن، افراد ارزشمند بودن، توانا بودن، مفید بودن و احساس غرور و اعتماد به خود را احساس می‌کنند و اگر ارضاء نشود شخص احساس خود کم بینی، حقارت و درماندگی می‌کند. (مدی، ۱۹۷۶). همچنین حرمت خود حوزه‌هایی از جمله نگرش به خود، آگاهی داشتن از استعدادهای خود و تصدیق آنها، روش‌های مقابله با شکست و توانایی مقابله با چگونگی نگرش دیگران نسبت به خود را شامل می‌شود. ممکن است کودک در یک یا چند حوزه خاص حرمت خود با مشکل مواجه شود. به عنوان مثال، ممکن است کودکی از لحاظ اجتماعی اعتماد به نفس بالایی داشته باشد، اما در محیط‌های تحصیلی این گونه نباشد، این امر بر مفهوم خود بین فردی مناسب، ولی مفهوم خود تحصیلی ضعیف دلالت

---

1. Self – esteem

2. Maddi

می‌کند (گرمین<sup>۱</sup>، ۲۰۰۱).

بر اساس دیدگاه شناختی، دانش آموزان نارساخوان نسبت به خود، جهان و آینده باورها و نگرش‌های منفی دارند، تجربه‌های شخصی آنها به طور ملاحظه‌پذیری اندوهناک تر از دیگران است. تجربه شکست‌های متعدد در امور مختلف در تاریخچه زندگی افراد دچار نارساخوانی، باعث می‌شود که آنها به این باور برسند که توانایی آن را ندارند که از عهده تقاضاهای محیطی برآیند. در نتیجه به احتمال زیاد برداشت‌های افراد دچار نارساخوانی نسبت به رویدادهای محیطی حتی بسیار منفی‌تر از درمان‌جویان غیر معلولی است که ارزش پایینی برای خود قائل هستند. (بک و همکاران، ۱۹۷۹) این امر باعث می‌شود که افراد مبتلا به نارساخوانی به علت تجربه شکست‌های مکرر و طرد اجتماعی نسبت به خود و جهان اطراف خود نگرش منفی پیدا کنند. در نتیجه این تجارب منفی باعث می‌شود رشد حرمت خود آنها تضعیف شود و خود کارآمدی آنها کاهش یابد. (کروز<sup>۲</sup> و همکاران، ۱۹۹۹).

همچنین، نگرش منفی شدید نسبت به خود یا در مجموع نارسایی داشتن در یک قلمرو خاص، می‌تواند تمامی زمینه‌های کنش‌وری کودک را تحت تأثیر قرار دهد. حرمت خود پایین و مفهوم خود ضعیف به طور معناداری کودک را از داشتن یک ارزیابی واقعی نسبت به مهارت‌ها و استعدادهای خود باز می‌دارد، زیرا آنها همه باورهای خود را بر اساس نگرش منفی بنا می‌کنند.

افزون بر آن، تأثیر حرمت خود پایین، افزایش میزان اضطراب، افسردگی، مشکلات رفتاری و عملکرد تحصیلی ضعیف کودکان نارساخوان را باعث می‌شود. لذا، می‌توان با کاربرد یک روش آموزشی مؤثر، برای افزایش حرمت خود و مفهوم خود آنها تلاش کرد و نباید به این امید بود که با کارکردن بر سایر زمینه‌های انطباقی، حرمت خود و مفهوم خود آنها به طور غیرمستقیم بهبود یابد (هاننی و دورلاک<sup>۳</sup>، ۱۹۹۸، به نقل از گرمین، ۲۰۰۱).

همچنین به اعتقاد برخی از نویسندگان، از جمله کارنین و سیلبرت<sup>۴</sup> (۱۹۹۰)، نارساخوانی علت اصلی شکست دانش آموزان در مدارس است. تجربیات خواندن به طور قوی، احساس

- 
1. Gorman
  2. Kroese
  3. Haney & Durlak.
  4. Carnin & Cilber.

کفایت و شایستگی، مفهوم خود و حرمت خود دانش آموزان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. علاوه بر آن، شکست خواندن می‌تواند به اختلال‌های هیجانی - رفتاری منجر شود. در نتیجه دانش آموزان مبتلا به نارساخوانی بر اساس شکست‌های ناشی از خواندن به اختلال‌های هیجانی، از جمله اضطراب، افسردگی، نداشتن حرمت خود و ناسازگاری اجتماعی، دچار می‌شوند (ازمن<sup>۱</sup>، ۲۰۰۰؛ گرمین، ۲۰۰۱).

نتایج بسیاری از تحقیقات نشان می‌دهد که دانش آموزان مبتلا به نارساخوانی در مقایسه با دانش آموزان عادی حرمت خود ضعیف‌تری دارند. (گرال نیک و رایان<sup>۲</sup>، ۱۹۹۰). احتمالاً این امر از شکست‌های مکرر ناشی شده است، که دانش آموزان مبتلا به نارساخوانی تجربه می‌کنند (میر، ۱۹۸۲). دانش آموزان مبتلا به نارساخوانی که حرمت خود بسیار ضعیف و مفهوم خود کلی ضعیف دارند، ممکن است در زمینه مهارت‌های تحصیلی، اجتماعی، رفتاری و غیرتحصیلی احساس بی‌کفایت کنند (کلوموک و گاسدن<sup>۳</sup>، ۱۹۹۴؛ به نقل از گرمین، ۲۰۰۱).

با توجه به اینکه تا کنون محقق به هیچ‌گونه پژوهش انجام شده در زمینه تأثیر نارساخوانی بر ابعاد حرمت خود در ایران دست نیافته است. لذا، هدف این پژوهش این است که میزان حرمت خود عمومی، تحصیلی، جسمانی، خانوادگی و اجتماعی دانش آموزان نارساخوان و عادی را مقایسه کند. همچنین در صورتی که نتایج پژوهش نشان دهد که دانش آموزان نارساخوان در برخی از ابعاد حرمت خود، حرمت خود بالاتری دارند، آنها می‌توانند از این احساس ارزشمندی برای جبران سایر نقاط ضعف خود استفاده کنند. بنابراین، مسأله اصلی این پژوهش پاسخ به این سؤال کلی است که آیا دانش آموزان مبتلا به نارساخوانی در مقایسه با دانش آموزان عادی حرمت خود پایین‌تری دارند؟

با توجه به مسأله اصلی پژوهش و در نظر گرفتن تحقیقات انجام شده در قلمرو موضوع مورد بررسی، فرضیه‌های زیر تدوین شدند:

۱- بین حرمت خود عمومی، تحصیلی، جسمانی، خانوادگی و اجتماعی دانش آموزان نارساخوان و عادی تفاوت معنادار وجود دارد.

- 
1. Osman.
  2. Grolnick & Ryan.
  3. Clomok & Gosden.

- ۲- بین حرمت خود عمومی دانش آموزان نارساخوان و عادی تفاوت معنادار وجود دارد.
- ۳- بین حرمت خود تحصیلی دانش آموزان نارساخوان و عادی تفاوت معنادار وجود دارد.
- ۴- بین حرمت خود جسمانی دانش آموزان نارساخوان و عادی تفاوت معنادار وجود دارد.
- ۵- بین حرمت خود خانوادگی دانش آموزان نارساخوان و عادی تفاوت معنادار وجود دارد.
- ۶- بین حرمت خود اجتماعی دانش آموزان نارساخوان و عادی تفاوت معنادار وجود دارد.

### روش پژوهش

این پژوهش از نوع کاربردی است و روش انجام آن زمینه‌ای است.

### جامعه آماری

جامعه مورد مطالعه این پژوهش در سال ۱۳۸۶ دانش آموزان نارساخوان و عادی را شامل می‌شد که ۹-۱۱ سال داشتند و در شهر تهران در پایه‌های سوم، چهارم و پنجم ابتدایی، مشغول به تحصیل بودند که طبق سالنامه آماری وزارت آموزش و پرورش تعداد آنها جمعاً برابر ۲۹۰۱۱۳ نفر بود.

### نمونه آماری و روش نمونه‌گیری

در این پژوهش، برای نمونه‌گیری و انتخاب آزمودنی‌ها از روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چند مرحله‌ای و هدفمند استفاده شده است.

این روش نمونه‌گیری به شرح زیر انجام شد:

ابتدا از مناطق نوزده گانه آموزشی، منطقه سه انتخاب و سپس از منطقه مزبور، یک مدرسه پسرانه و یک مدرسه دخترانه<sup>۱</sup> و از هر مدرسه به ترتیب سه کلاس، از پایه‌های سوم، چهارم و پنجم به شیوه تصادفی برگزیده شدند. سپس از بین کلاس‌های مذکور با توجه به نظر معلمان و علائم نارساخوانی، ۹۵ دانش آموز مشکوک به نارساخوانی انتخاب شدند. پس از اجرای آزمون‌های تشخیصی (آزمون هوش و کسلر کودکان، آزمون اختلال خواندن) تعداد ۴۰ دانش آموز نارساخوان انتخاب شدند. سپس ۴۰ نفر دانش آموز عادی از پایه‌های سوم، چهارم و

---

۱. نمونه مورد نظر از مدرسه دخترانه رازی و مدرسه پسرانه کمیل انتخاب شدند.

پنجم به منظور مقایسه با دانش آموزان نارساخوان به صورت هدفمند انتخاب شدند.

## ابزارهای پژوهش

### ۱- آزمون هوشی وکسلر کودکان

به منظور اندازه گیری بهره هوشی دانش آموزان نارساخوان از مقیاس تجدید نظر شده هوشی وکسلر برای کودکان استفاده شد. لازم ذکر است این آزمون را در دانشگاه شیراز سیما شهیم (۱۳۷۳) هنجاریابی کرده است.

### ۲- آزمون اختلال خواندن

برای تشخیص دانش آموزان نارساخوان از آزمون اختلال خواندن استفاده کردیم، که نصف و همکاران ساخته و هنجاریابی کرده‌اند. بر مبنای این آزمون، سه خصوصیت عمده بالینی یعنی اشتباهات خواندن (از قبیل حذف، افزودن، جابه جایی، جایگزینی و وارونه خوانی)، سرعت خواندن و درک مطلب دانش آموزان نارساخوان سنجیده شد. بر مبنای این آزمون، به ازای هر نوع خطا به آزمودنی یک نمره داده شد و مجموع نمره‌های او در خطاها به عنوان خطای کلی آزمودنی در نظر گرفته شد. به ازای هر پاسخ به سؤال‌های درک مطلب نیز به آزمودنی یک نمره داده شد. در نهایت، میزان مدتی که آزمودنی از شروع تا پایان متن خواندن (بر حسب ثانیه) صرف می‌کرد، شاخص سرعت خواندن محسوب شد. (نصف و همکاران، ۱۳۸۰).

### ۳- مقیاس حرمت خود پپ<sup>۱</sup>

از این مقیاس برای سنجش میزان حرمت خود دانش آموزان نارساخوان و عادی استفاده شده است. این پرسشنامه ۶۰ سؤال دارد و برای اندازه گیری ۵ مقیاس حرمت خود به کار برده می‌شود. علاوه بر ۵ مقیاس، یک مقیاس دروغ سنجش نیز در آن به کار برده شد. این پرسشنامه را در آمریکا الیس پپ ساخته و استفاده کرده است. این مقیاس، ۶ خرده مقیاس از جمله حرمت خود عمومی، بدنی، تحصیلی، خانوادگی و اجتماعی را اندازه گیری می‌کند. افزون بر آن یک مقیاس دروغ سنج، بیشتر به منظور اعتماد و اطمینان از نتایج آزمون و صحت آن‌ها، به

---

1. pope

کار می‌رود.

اعتبار این آزمون را در ایران غفاری و رضانی در دانشگاه علامه طباطبایی برآورد کرده‌اند. روایی آزمون با محاسبه ضریب آلفای کرونباخ  $0/86$  به دست آمده که ضریب روایی بالایی است و نشان دهنده دقت و درجه ثبات و هماهنگی بالای آزمون در موضوع مورد سنجش است. برای اعتبار یابی آزمون از دو روش همسانی درونی و تحلیل عاملی استفاده شده است و در هر دو روش، اعتبار آزمون در سطح بالایی بوده است.

## نتایج

برای تحلیل داده‌های آماری این پژوهش، از روشهای آماری تحلیل واریانس چندگانه (مانوا) استفاده شد. زیرا این روش برای تحلیل داده‌های حاصل از آزمایشهایی مناسب است، که در آنها بیش از یک متغیر وابسته وجود دارد. در این پژوهش، یک متغیر مستقل (نارساخوانی) و چند متغیر وابسته (حرمت خود عمومی، تحصیلی، جسمانی، خانوادگی و اجتماعی) وجود دارد. همچنین جهت بررسی مستقل هر کدام از متغیرهای وابسته به طور جداگانه از تحلیل واریانس یک راهه استفاده شد.

نتایج تجزیه و تحلیل آماری در چهارچوب فرضیه‌ها عبارت هستند از:

### **فرضیه اول: نتایج آزمون آماری برای بررسی اثر نارساخوانی بر ابعاد حرمت خود**

نتایج مندرج در جدول ۱ نشان می‌دهد که بین میانگین نمره‌های حرمت خود عمومی، تحصیلی، خانوادگی و اجتماعی دانش آموزان نارساخوان و عادی تفاوت معنادار وجود دارد، اما بین میانگین نمره‌های حرمت خود جسمانی دانش آموزان نارساخوان و عادی تفاوت معناداری مشاهده نمی‌شود.

جدول ۱: میانگین و انحراف معیار نمره‌های ابعاد حرمت خود در دانش آموزان نارساخوان و عادی

متغیر شاخصهای آماری	گروه	میانگین	انحراف استاندارد
حرمت خود عمومی	نارساخوان	۱۰/۹۰	۲/۴۸
	عادی	۱۶/۵۷	۱/۴۴
حرمت خود تحصیلی	نارساخوان	۶/۹	۱/۳۳
	عادی	۱۷/۴۲	۱/۰۳
حرمت خود جسمانی	نارساخوان	۱۵/۱۷	۱/۶۴
	عادی	۱۴/۹۵	۱/۳۱
حرمت خود خانوادگی	نارساخوان	۱۰/۷۲	۱/۸۵
	عادی	۱۶/۱۰	۱/۳۵
حرمت خود اجتماعی	نارساخوان	۱۱/۴۷	۲/۵۸
	عادی	۱۵/۸۲	۱/۵۸

ابتدا برای بررسی تأثیر متغیر مستقل بر ترکیب خطی متغیرهای وابسته از آزمون‌های اثر فیلیایی<sup>۱</sup>، لامبدا ویلکس<sup>۲</sup>، اثر هتلینگ<sup>۳</sup> و بزرگترین ریشه روی<sup>۴</sup> استفاده شد که نتایج آن به شرح زیر است:

با توجه به اطلاعات مندرج در جدول ۲ می‌توان دریافت که ترکیب خطی متغیرهای وابسته از جمله حرمت خود عمومی، حرمت خود تحصیلی، حرمت خود جسمانی، حرمت خود خانوادگی و حرمت خود اجتماعی در سطح ۹۹٪ اطمینان تحت تأثیر متغیر نارساخوانی قرار دارد. به عبارت دیگر کودکان نارساخوان در مقایسه با کودکان عادی احساس ارزشمندی کمتری دارند. بدین صورت که یک فرد نارساخوان در مقایسه خود با دیگران، مفهوم خود ضعیف تری را تجربه و در نتیجه احساس ارزشمندی کمتری نسبت به خود احساس می‌کند.

- 
1. Pillais trace
  2. Wilks lambda
  3. Hotellings trace
  4. Roys largest root



جدول ۲: تأثیر پذیری ترکیب خطی متغیرهای وابسته از متغیر مستقل (نارساخوانی)

شاخص‌ها / نوع آزمون	ارزش	میزان F	درجه آزادی فرضیه	درجه آزادی خطا	سطح معناداری
اثر فیلیایی	۰/۹۶۸	۳۱۴/۹۹۶	۷	۷۲	۰/۰۰۱
لامبدا و یلکس	۰/۳۲	۳۱۴/۹۹۶	۷	۷۲	۰/۰۰۱
اثر هتلینگ	۳۰/۶۲۵	۳۱۴/۹۹۶	۷	۷۲	۰/۰۰۱
بزرگترین ریشه روی	۳۰/۶۲۵	۳۱۴/۹۹۶	۷	۷۲	۰/۰۰۱

**فرضیه دوم: نتایج آزمون آماری برای بررسی اثر نارساخوانی بر حرمت خود عمومی**

نتایج حاصل از اعمال روش آماری تحلیل واریانس یک راهه در زمینه تأثیر نارساخوانی بر حرمت خود عمومی در جدول ۳ نشان می‌دهد که نارساخوانی در حرمت خود عمومی تأثیر دارد. به عبارت دیگر، کودکان نارساخوان در مقایسه با کودکان عادی حرمت خود عمومی کمتری دارند. میزان واریانس مشترک حرمت خود عمومی با متغیرهای وابسته دیگر ۶۶/۱ درصد است. به عبارت دیگر ۶۶/۱ درصد از حرمت خود عمومی به همراه متغیرهای دیگر از نارساخوانی تأثیر گرفته است. لذا، این احساس ارزشمندی عمومی تحت تأثیر حرمت خود تحصیلی، جسمانی، خانوادگی و اجتماعی قرار می‌گیرد.

جدول ۳: خلاصه نتایج تحلیل واریانس یکراهه برای بررسی تأثیر نارساخوانی بر حرمت خود عمومی

تغییر شاخص منابع	مجموع مجزورات	درجه آزادی	میانگین مجزورات	نسبت F	سطح معناداری
بین گروهها	۶۴۴/۱۱۳	۱	۶۴۴/۱۱۳	۱۵۵/۳۶۴	۰/۰۰۱
خطا	۳۲۳/۳۷۵	۷۸	۴/۱۴۶		
کل	۹۶۷/۴۸۷	۷۹			

**فرضیه سوم: نتایج آزمون آماری برای بررسی اثر نارساخوانی بر حرمت خود تحصیلی**

نتایج حاصل از اعمال روش آماری تحلیل واریانس یک راهه در زمینه تأثیر نارساخوانی بر حرمت خود تحصیلی در جدول ۴ نشان می‌دهد که نارساخوانی در حرمت خود تحصیلی تأثیر

دارد. به عبارت دیگر، کودکان نارساخوان در مقایسه با کودکان عادی حرمت خود تحصیلی کمتری دارند. میزان واریانس مشترک بین حرمت خود تحصیلی و متغیرهای وابسته دیگر ۹۵/۲ درصد است. به عبارت دیگر ۹۵/۲ درصد از حرمت خود تحصیلی به همراه متغیرهای دیگر از نارساخوانی تأثیر گرفته است.

حرمت خود تحصیلی یک احساس و ارزیابی نسبت به توانایی تحصیلی شخص از خود است، که به طور مستقیم با برآورده ساختن انتظارات والدین، مدرسه، معلمان و دیگر دانش آموزان ارتباط دارد. و اگر کودک نارساخوان به خوبی از عهده این کار برآید حرمت خود تحصیلی مثبت به دست می‌آورد، ولی در صورتی که کودک نارساخوان از برآورده ساختن انتظارات والدین، مدرسه، معلمان و دیگر دانش آموزان بر نیاید و پیشرفت تحصیلی او علاوه بر این که تحت تأثیر نارساخوانی ضعیف می‌شود احساس ارزشمندی خود را نیز نسبت به خانواده، اجتماع و خود از دست می‌دهد.

جدول ۴: خلاصه نتایج تحلیل واریانس یک راهه برای بررسی تأثیر نارساخوانی بر حرمت خود

تحصیلی

شاخص‌ها منابع تغییر	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معناداری
بین گروهها	۲۲۱۵/۵۱۳	۱	۲۲۱۵/۵۱۳	۱۵۵۱/۶۰۵	۰/۰۰۱
خطا	۱۱۱/۳۷۵	۷۸	۱/۴۲۸		
کل	۲۳۲۶/۸۸۸	۷۹			

**فرضیه چهارم: نتایج آزمون آماری برای بررسی اثر نارساخوانی بر حرمت خود جسمانی**

نتایج حاصل از اعمال روش آماری تحلیل واریانس یک راهه در زمینه تأثیر نارساخوانی بر حرمت خود جسمانی در جدول ۵ نشان می‌دهد که نارساخوانی در حرمت خود جسمانی تأثیر ندارد. این نتایج حاکی از آن است که بین حرمت خود جسمانی کودکان نارساخوان تفاوت معناداری مشاهده نمی‌شود. با توجه به اینکه حرمت خود جسمانی تحت تأثیر عواملی از جمله ظواهر جسمانی، توانایی‌های بدنی و ورزشی است، که فرد در موقعیت‌های گوناگون از خود

مقایسه ابعاد حرمت خود در دانش آموزان نارساخوان و ... ۷۵

نشان می‌دهد. ممکن است کودکان نارساخوان برای جبران ضعف خود در سایر ابعاد حرمت خود از این توانایی جسمانی استفاده کنند.

جدول ۵: خلاصه نتایج تحلیل واریانس یک راهه برای بررسی تاثیر نارساخوانی بر حرمت خود

جسمانی

شاخص‌ها منابع تغییر	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معناداری
بین گروهها	۱/۰۱۳	۱	۱/۰۱۳	۰/۴۵۵	۰/۵۰۲
خطا	۱۷۳/۶۷۵	۷۸	۲/۲۲۷		
کل	۱۸۳۲۵	۸۰			

**فرضیه پنجم: نتایج آزمون آماری برای بررسی اثر نارساخوانی بر حرمت خود خانوادگی**

نتایج حاصل از اعمال روش آماری تحلیل واریانس یک راهه در زمینه تأثیر نارساخوانی بر حرمت خود خانوادگی در جدول ۶ نشان می‌دهد که نارساخوانی در حرمت خود خانوادگی تأثیر دارد. یعنی، کودکان نارساخوان در مقایسه با کودکان عادی حرمت خود خانوادگی کمتری دارند. میزان واریانس مشترک بین حرمت خود خانوادگی و متغیرهای وابسته دیگر ۷۳/۴ درصد است. به عبارت دیگر ۷۳/۴ درصد از حرمت خود خانوادگی به همراه متغیرهای وابسته دیگر از نارساخوانی تأثیر گرفته است. حرمت خود خانوادگی احساس ارزشی است که کودک نارساخوان به عنوان یکی از اعضای خانواده نسبت به خود دارد. و این احساس ارزش تحت تأثیر برداشتی است که او در رابطه با خانواده به دست می‌آورد. نظر به این که به کودک نارساخوان ممکن است والدین و سایر اعضای خانواده کمتر محبت کنند و آنها برای او کمتر ارزش قائل باشند. زیرا، انتظارات و آرزوهای آنها را به ویژه در طول دوران تحصیل برآورده نمی‌کند. بنابراین، کودک نارساخوان، خوینداره مثبت کمتری در جمع خانواده، به دست خواهد آورد و در نتیجه حرمت خود خانوادگی در نزد این گروه از کودکان بیشتر دچار مشکل می‌شود.

جدول ۶: خلاصه نتایج تحلیل واریانس یک راهه برای بررسی تاثیر نارساخوانی بر حرمت خود خانوادگی

شاخص‌ها منابع تغییر	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معناداری
بین گروهها	۵۷۷/۸۱۳	۱	۵۷۷/۸۱۳	۲۱۹/۲۳۶	۰/۰۰۱
خطا	۲۰۵/۵۷۵	۷۸	۲/۶۳۶		
کل	۷۸۳/۳۸۸	۷۹			

**فرضیه ششم: نتایج آزمون آماری برای بررسی اثر نارساخوانی بر حرمت خود اجتماعی**

نتایج حاصل از اعمال روش آماری تحلیل واریانس یک راهه در زمینه تأثیر نارساخوانی بر حرمت خود اجتماعی در جدول ۷ نشان می‌دهد که نارساخوانی در حرمت خود اجتماعی تأثیر دارد. یعنی، کودکان نارساخوان در مقایسه با کودکان عادی حرمت خود اجتماعی کمتری دارند. میزان واریانس مشترک حرمت خود اجتماعی با متغیرهای وابسته دیگر ۵۰/۸ درصد است. به عبارت دیگر ۵۰/۸ درصد از حرمت خود اجتماعی، احساس ارزشی است که شخص در تعامل اجتماعی با دیگران به دست می‌آورد. بدین صورت که آیا نظر او برای دیگران ارزش دارد و آیا دیگران برای او ارزش قائل هستند. آیا دیگران از همنشینی با او لذت می‌برند. آیا او از تعامل با دیگران احساس خوبی دارد. لذا، با توجه به اینکه کودکان نارساخوان به علت نداشتن موفقیت تحصیلی، کمتر می‌توانند نیازها و انتظارات همسالان و اطرافیان را تأمین کنند. بنابراین، احساس حرمت خود اجتماعی آن‌ها کاسته می‌شود.

جدول ۷: خلاصه نتایج تحلیل واریانس یک راهه برای بررسی تاثیر نارساخوانی بر حرمت خود اجتماعی

شاخص‌ها منابع تغییر	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معناداری
بین گروهها	۳۷۸/۴۵	۱	۳۷۸/۴۵	۸۲/۵۱۳	۰/۰۰۱
خطا	۳۵۷/۷۵	۷۸	۴/۵۸۷		
کل	۷۳۶/۲	۷۹			

## بحث و نتیجه گیری

در پژوهش حاضر، تأثیر نارساخوانی بر ابعاد حرمت خود در دانش آموزان مبتلا به نارساخوانی بررسی شد. هدف از انجام این پژوهش، مقایسه میزان حرمت خود عمومی، تحصیلی، جسمانی، خانوادگی و اجتماعی دانش آموزان نارساخوان و عادی است. به منظور انجام این پژوهش، تعداد ۴۰ دانش آموز نارساخوان در مقطع ابتدایی پس از اجرای آزمون‌های تشخیصی به شیوه نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شدند. سپس ۴۰ دانش آموز عادی با توجه به ویژگیهای دانش آموزان نارساخوان، از مقطع ابتدایی به منظور مقایسه با دانش آموزان نارساخوان به صورت هدفمند انتخاب شدند. سپس مقیاس حرمت خود پپ را معلمان دانش آموزان نارساخوان و عادی تکمیل کردند. در پایان داده‌های به دست آمده از طریق روشهای آماری تحلیل واریانس مانوا و تحلیل واریانس یک راهه تجزیه و تحلیل شد.

در نتایج حاصل از این پژوهش مشاهده شد که نارساخوانی به طور کلی در ابعاد حرمت خود دانش آموزان نارساخوان تأثیر دارد. یعنی ترکیب خطی متغیرهای وابسته از جمله حرمت خود عمومی، حرمت خود تحصیلی، حرمت خود جسمانی، حرمت خود خانوادگی و حرمت خود اجتماعی در سطح ۹۹٪ اطمینان تحت تأثیر متغیر نارساخوانی قرار دارد. به عبارت دیگر کودکان نارساخوان در مقایسه با کودکان عادی احساس ارزشمندی کمتری دارند. بدین صورت که یک فرد نارساخوان در مقایسه خود با دیگران، مفهوم خود ضعیف تری را تجربه و در نتیجه احساس ارزشمندی کمتری نسبت به خود احساس می‌کند.

بر مبنای نتایج این پژوهش، نارساخوانی در حرمت خود عمومی، تحصیلی، خانوادگی و اجتماعی دانش آموزان نارساخوان تأثیر دارد. به عبارت دیگر، کودکان نارساخوان در مقایسه با کودکان عادی حرمت خود عمومی، تحصیلی، خانوادگی و اجتماعی کمتری دارند، اما بین حرمت خود جسمانی کودکان نارساخوان و عادی تفاوت معناداری مشاهده نشد. همچنین نتایج نشان می‌دهد کودکان نارساخوان در مقایسه با سایر ابعاد حرمت خود، حرمت خود تحصیلی پایین تری دارند. این یافته‌ها با نتایج تحقیقات، ازمن، ۲۰۰۰؛ گرم، ۲۰۰۱؛ کلوموک و گاسدن، ۱۹۹۴ همخوانی دارد.

همان گونه که یافته‌های این پژوهش و نتایج سایر تحقیقات نشان می‌دهند، کودکان

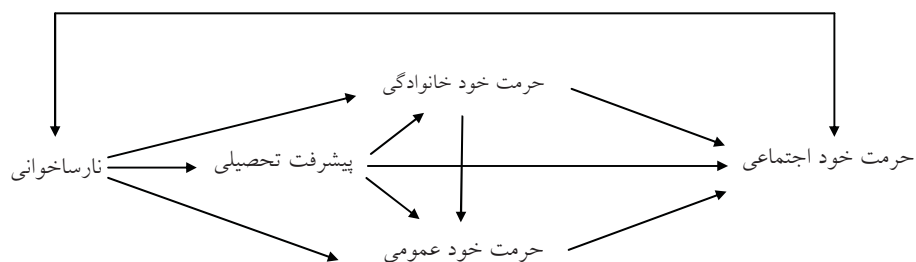
نارساخوان در مقایسه با کودکان عادی حرمت خود عمومی، خانوادگی، اجتماعی، به ویژه حرمت خود تحصیلی کمتری دارند. این یافته را می‌توان بدین گونه تبیین کرد که حرمت خود پایین، می‌تواند به طور منفی بر پیشرفت تحصیلی تأثیرگذار باشد. در میان کودکانی که دچار نارسایی‌های یادگیری هستند، کودکانی که حرمت خود پایین دارند در مقایسه با کودکانی که حرمت خود بالایی دارند، عملکرد تحصیلی ضعیف‌تری دارند (کلوموک و گاسدن، ۱۹۹۴). این امر حاکی از آن است که حرمت خود در مقایسه با توانایی کلی هوشی، بر پاسخ دهی کودکان به تلاش‌های درمانی تأثیر بیشتری دارد (کرشنر<sup>۱</sup>، ۱۹۹۰ به نقل از گورمن، ۲۰۰۱)، علاوه بر این داشتن مفهوم خود بالا، در حوزه‌های غیرتحصیلی می‌تواند به صورت سپری برای مشکلات تحصیلی عمل کند، حتی در بین کودکانی که دچار نارسایی‌های یادگیری هستند؛ در حالی که داشتن مفهوم خود کلی ضعیف یا نارسایی در هر دو حوزه تحصیلی و غیرتحصیلی، می‌تواند مانع پیشرفت تحصیلی شود.

بنابراین، کودکان نارساخوان به واسطه پیشرفت تحصیلی ضعیف در برآورده کردن انتظارات و آرزوهای والدین و دیگر اعضای خانواده موفق نیستند. از سوی دیگر با توجه به اینکه مهمترین عامل مقایسه کودکان با یکدیگر، به ویژه در بین خانواده‌های ایرانی، پیشرفت تحصیلی است. بنابراین، والدین به خاطر پیشرفت تحصیلی پایین کودکان نارساخوان خود کمتر می‌توانند نزد اطرافیان خود، احساس ارزشمندی کنند. افزون بر آن کمتر می‌توانند علاقمندی خود را به کودکان خود نشان دهند. در نتیجه مفهوم خود و حرمت خود کودک به عنوان عضو مؤثر در خانواده، خدشه دار می‌شود. لذا کودکی که به دلیل نارساخوانی هم پیشرفت تحصیلی پایینی دارد و هم حرمت خانوادگی کمتری دارد. در نتیجه حرمت خود عمومی او نیز خدشه دار می‌شود. بنابراین، نارساخوانی هم به طور مستقیم و هم به طور غیرمستقیم تحت تأثیر حرمت خود خانوادگی و پیشرفت تحصیلی پایین بر حرمت خود عمومی تأثیر مضاعف دارد. از سوی دیگر نارساخوانی بر کاهش حرمت خود اجتماعی نیز تأثیر دارد. بدین صورت که علاوه بر رابطه مستقیم بین نارساخوانی و کاهش حرمت خود اجتماعی، پیشرفت تحصیلی هم به طور مستقیم و هم به واسطه حرمت خانوادگی و هم به

---

1. Kershner.

واسطه حرمت خود عمومی بر کاهش حرمت خود اجتماعی تأثیر می‌گذارد. و بدین طریق به طور کلی احساس ارزشمندی در کودکان نارساخوان کاهش یافته و دچار نقصان می‌شود. مدل یافته این پژوهش را می‌توان به صورت نمودار زیر ترسیم کرد.



بنابراین، بر مبنای نتایج این پژوهش، می‌توان به مسئولان آموزش و پرورش پیشنهاد کرد با به کار بردن راهبردهای آموزشی مؤثر برای افزایش میزان حرمت خود کودکان نارساخوان بکوشند. داشتن احساس ارزشمندی خود می‌تواند با افزایش انگیزه عملکرد بهتر، ایجاد استقامت و تمایل به ریسک کردن، یادگیری را بهبود بخشد. مدارس نیز می‌توانند از طریق برنامه‌های آموزشی، در بالا بردن حرمت خود دانش آموزان تلاش کنند. (هایبرت<sup>۱</sup> و همکاران، ۱۹۸۲).

---

1. Hiebert.

## منابع

- دلاور، علی (۱۳۷۸). مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی، تهران، رشد.
- شهیم، سیما، (۱۳۷۳). مقیاس تجدید نظر شده هوشی و کسلر برای کودکان. انطباق و هنجاریابی، دانشگاه شیراز.
- نصفت، مرتضی. نظری، م، (۱۳۸۰). آزمون تشخیصی اختلال خواندن. گزارش نهایی طرح پژوهشی، تهران.

- Gorman, J. C, (2001). *Emotional Disorder & Learning Disability in the Elementary Classroom*. Thousand Oaks, California, Corwin.
- Grolnick, W. S & Ryan, R. M, (1990). Self-concept and middle- school students with learning disabilities: A multiple group comparison study, *Journal of Learning Disabilities*, 23, 177-184.
- Haney, P & Durlak, J. A, (1998). Changing self-esteem in children and adolescents: A meta-analytic review, *Journal of Clinical Child Psychology*, 27(4), 423-433.
- Hiebert, B, Wong, B, Hunter, M, (1982). Affective influences on learning disabled adolescents, *Learning Disability Quarterly*, 5(4), 334-343.
- Kroese, B. S, Dagnan, D & Loumidis, K, (1999). *Cognitive- Behavior Therapy for people with learning Disabilities*.
- Kershner, J. R, (1990). Self-concept and IQ as predictors of remedial success in children with learning disabilities, *Journal of Learning Disabilities*, 23(6), 368-374.
- Kloomok, S & Cosden, M, (1994). Self-concept in children with learning disabilities: The relationship between global self-concept, academic "discounting," nonacademic self-concept and perceived social support, *Learning Disabilities Quarterly*, 17, 140-153.
- Osman, B. B, (2000) *learning Disabilities and the Risk of psychiatric Disorders in children and Adolescents*, American psychiatric press, Inc.
- Maddi, R. S. (1976). *Personality theories*. (3 ed).
- McLeskey, J., Henry, D., & Axelrod, M. I. (1999). Inclusion of students with learning disabilities: An examination of data from reports to congress. 66(1), 55-66.